

(۲۱)

هزج مَثْمَنِ اِخْرَبِ مَكْفُوفِ مَحْذُوفٍ - مَفْعُولُ مَفَاعِيْلٍ مَفَاعِيْلٍ فَعُولِنَ، دُوبَارَ، مِثَالِشْ مُؤَلَّفِ

گوید، شعر:

ای شیخ مرا راه خرابات نمودی میخواست دلم باده کرامات نمودی

تقطیعش: ای شیخ / مفعول، مرا راه / مفاعیل، خرابات / مفاعیل، نمودی / فعولن.

میخاس / مفعول، دلم باد / مفاعیل، کرامات / مفاعیل، نمودی / فعولن. و حذف در اصطلاح

انداختن سبب خفیف است از آخر رکن، و چون از مفاعیلن لن را بیندازی، مفاعی بماند فعولن به

جای آن نهند به جهت آنکه چون لام و نون مفاعیلن افتاد، لفظ مهمل باقی ماند، پس لفظ مستعمل

که بر وزن اوست، به جای آن نهادند چنانکه گذشت در خرب، و تا ممکن است لفظ با تنوین به

جای آن لفظ بنهند که موافق استعمال کلام عرب شود. و آن رکن را که حذف در واقع است محذوف

گویند و محذوف در لغت اسب دم بریده است. و اینجا صدر و ابتدا، اِخْرَبِ و حَشُوهَا، مَكْفُوفِ و

عَرُوضِ و ضَرْبِ، مَحْذُوفِ است.

و از اجتماع این دو وزن بیت ناموزون نشود، و همچنین هرجا که تفاوت نباشد میان دو وزن

مگر به این که رکن آخر یکی، مفاعیل باشد و رکن آخر دیگری، فعولن، از اجتماع آن دو وزن، بیت

ناموزون نشود.

(۲۲)

هزج مَثْمَنِ مَكْفُوفِ مَقْصُورٍ - مَفَاعِيْلُ مَفَاعِيْلٍ مَفَاعِيْلٍ مَفَاعِيْلٍ دُوبَارَ. مِثَالِشْ:

شعر:

زهی حسن وزهی روی وزهی نور وزهی نار      زهی خطّ وزهی خال وزهی مور وزهی مار  
تقطیعش: زهی حسن / مفاعیل، زهی روی / مفاعیل، زهی نور / مفاعیل، زهی نار / مفاعیل.  
زهی خطّ / مفاعیل، زهی خال / مفاعیل، زهی مور / مفاعیل، زهی مار / مفاعیل. اینجا عروض و  
ضرب، مقصور است و باقی ارکان مکفوف.

(۲۳)

هزج مثنوی مکفوف محذوف - مفاعیل مفاعیل فعولن، دوبار، مثالش:

شعر:

مرا عشق دو تا کرد به هنگام جوانی      چرا باز نپرسی تو زحالم چو بدانی  
تقطیعش: مرا عشق / مفاعیل، دتا کرد / مفاعیل، بهنگام / مفاعیل، جوانی / فعولن. چرا باز /  
مفاعیل، نپرسی / مفاعیل، زحالم / مفاعیل، بدانی / فعولن. اینجا عروض و ضرب  
محذوفست.

(۲۴)

هزج مسدس سالم - مفاعیلن شش بار. مثالش:

شعر:

قناعت گنج آباد است اگر دانی      ازو تا می توانی رو نگردانی  
تقطیعش: قناعت گن / مفاعیلن، ج آبادس / مفاعیلن، تگردانی / مفاعیلن. باقی به همین  
قیاس می دان. و این وزن را مسدس از آن جهت گویند که شش رکن دارد.

(۲۵)

هزج مسدس مقصور - مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل دوبار. مثالش مؤلف گوید:

شعر:

یکی از دردمندان تو مائیم      بیا تا دردمندیها نمائیم  
تقطیعش: یکی از در / مفاعیلن، دمندان / مفاعیلن، تمایم / مفاعیلن. باقی به همین  
قیاس می دان. اینجا عروض و ضرب، مقصور است و باقی ارکان، سالم.

Subhani  
Diyar-e Kerman 11/9/57

۴۰  
(۲۶)

هزج مسدس محذوف - مفاعیلن مفاعیلن فعولن دوبار. مثالش مؤلف گوید:

شعر:

دلا در عشق رنج ما کشیدی کرم کردی و زحمتها کشیدی  
تقطیع: دلا در عش / مفاعیلن، قرنجدی ما / مفاعیلن، کشیدی / فعولن. باقی به همین قیاس  
می دان. اینجا عروض و ضرب، محذوف است و باقی ارکان، سالم.

(۲۷)

هزج مسدس مکفوف مقصور - مفاعیل مفاعیل مفاعیل دوبار.

مثالش:

بتا خیز و بیار آن می خوشبوی که هم رنگ بود با گل خودروی  
تقطیعش: بتا خیز / مفاعیل، بیارام / مفاعیل، یخشبوی / مفاعیل. باقی به همین قیاس  
می دان. اینجا عروض و ضرب، مقصور است و باقی ارکان، مکفوف.

(۲۸)

هزج مسدس مکفوف محذوف - مفاعیل مفاعیل فعولن، دوبار.

مثالش:

دلزار جفاکار نگاری جز آزارِ دلم کار نداری  
تقطیع: دلزار / مفاعیل، جفاکار / مفاعیل، نگاری / فعولن. باقی به همین قیاس می دان.  
اینجا عروض و ضرب، محذوف است. و از اجتماع این دو وزن بیت ناموزون نشود زیرا که رکن آخر  
یکی، مفاعیل و رکن آخر دیگری، فعولن است.

(۲۹)

بحر هزج مسدس اخرب مقبوض - مفعول مفاعیلن مفاعیلن، دوبار.

مثالش:

ای از مره تو رخنه در جانها ای درد تو کیمیای درمانها  
تقطیعش: ای ازم / مفعول، ژبی ترخ / مفاعیلن، ندرجاها / مفاعیلن. باقی به همین قیاس  
می دان. اینجا صدر و ابتدا، اخرب است و حشو، مقبوض و عروض و ضرب، سالم.